موضوع: بررسی شبهه استبعاد ظلم نسبت به حضرت زهرا (س)

شبهه استبعاد در مورد ظلم و ستم به حضرت زهرا (س)

صحبت درباره ادعای استبعادی است که در مورد حوادث بعد از رحلت پیامبر (ص) از سوی صحابه رخ داده است می باشد. در جلسه گفته شد باید به صحابه پیامبر (ص) ، نگاه واقع بینانه داشته باشیم نه احساسی. وقتی به آیات و روایات و واقعیت های تاریخی رجوع کنیم می بینیم صحابه به سه دسته تقسیم می شود. در ادامه به بررسی صحابه از منظر قرآن و روایات می پردازیم:

صحابه از منظر قرآن کریم

1. گروهی که ایمان راسخ داشتند و در عمل نیز آزمون خود را پس دادند. قرآن کریم هم در باره اینها می فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنينَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضى‏ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْديلا».[[1]](#footnote-1)

2. گروهی که ایمان داشتند اما ایمانشان راسخ نبود و در بحبوبه امتحان سرفراز بیرون نمی آمدند. آیاتی از قرآن کریم هم ناظر به همین ها است از جمله : «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ما لَكُمْ إِذا قيلَ لَكُمُ انْفِرُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَ رَضيتُمْ بِالْحَياةِ الدُّنْيا مِنَ الْآخِرَةِ فَما مَتاعُ الْحَياةِ الدُّنْيا فِي الْآخِرَةِ إِلاَّ قَليل‏»[[2]](#footnote-2).

3. کسانی که به عنوان منافقین و بیماردلان از آنها یاد شده است. در قرآن کریم آیات فراوانی ناظر به همین گروه است. هم عِده و هم عُده این تعداد قابل توجه بوده است. «أَمْ حَسِبَ الَّذينَ في‏ قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغانَهُم‏ . وَ لَوْ نَشاءُ لَأَرَيْناكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسيماهُمْ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ في‏ لَحْنِ الْقَوْلِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمالَكُم‏»[[3]](#footnote-3): بلكه كسانى كه در دل هايشان بيمارى است ، گمان كردند كه خدا كينه‏هايشان را آشكار نخواهد كرد. و اگر بخواهيم يقيناً آنان را به تو نشان مى‏دهيم تا آنان را از روى نشانه‏هايشان بشناسى ، و بى‏ترديد آنان را از شيوه سخن گفتن خواهى شناخت ؛ و خدا كارهاى شما را مى‏داند.

سوال و جواب

برخی می گویند نباید منافقین را جزء صحابه به شمار آورید. منافقین گروهی در عرض صحابه هستند زیرا صحابه کسی است که ایمان واقعی به پیامبر (ص) آورده باشد. اما این سخن درست نیست و در تعریف صحابی ایمان واقعی اخذ نشده است. ابن حجر عسقلانی در کتاب الاصابه می گوید: «اصح ما وقفت علیه من ذلک ان الصحابی من لقی النبی مومنا به و مات علی الاسلام». در این تعریف ذکر نشده که اسلام واقعی ملاک است بلکه ایمان اعم از ظاهری و واقعی بیان شده است. در منابع معتبر اهل سنت نقل شده که عبدالله ابی که از چهره های شاخص منافقین است، از صحابی پیامبر (ص) شناخته شده است. آن روایت چنین است: یک وقت میان فردی مهاجر و انصار نزاعی در گرفت و مهاجر صدمه ای به انصاری وارد کرد. مهاجر، مهاجران را به کمک خود خواست و انصار، انصاری ها. پیامبر اکرم (ص) سخن آنان را شنید و فرمود: این رفتارهای جاهلی را کنار بگذارید. عبدالله بن ابی این خبر را شنید و گفت: به خدا قسم اگر به مدینه برگردم آن کسی که عزیز تر است (انصار) ، ذلیل تر ها را (مهاجرین) را از مدینه بیرون خواهد کرد. این سخن به پیامبر (ص) رسید. عمر گفت: ای رسول خدا (ص) به من اجازه دهید گردن این منافق را بزنم. حضرت فرمود: او را به حال خود واگذار، زیرا اگر کشته شود مردم خواهند گفت محمد (ص) اصحاب خود را می کشد. [[4]](#footnote-4)

پس از نظر قرآن نمی توان یک نگاه تکریم آمیز نسبت به همه صحابه داشته باشیم. بله جمعی از آنها دارای ایمان راستین بودند اما جمع دیگری اینگونه نبودند. اکنون با این مطلب جایی برای استبعاد نسبت به رفتار آنان بعد از رحلت آن پیامبر (ص) و آزار و اذیت حضرت زهرا (س) نیست.

صحابه از منظر احادیث نبوی (ص)

در احادیث نیز همین سه دسته از صحابه یافت می شود. در این روایات هم تعابیر مدح آمیز نسبت به صحابه آمده است و هم تعابیر تنقیدی و هم در برخی تعابیر عبرت آمیزی آمده است. در این باره چند روایت بیان می شود:

1. پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرمود: من قبل از شما نزد حوض کوثر می روم. در این هنگام مردانی از شما به سوی من آورده می شوند و هنگامی که من می خواهم دستگیری کنم، آنان را از من دور می کنند. عرض می کنم: پروردگارا، اینها اصحاب من هستند. خداوند می فرماید: تو نمی دانی اینان پس از تو چه کرده اند. [[5]](#footnote-5)

2. سهل بن سعد می گوید: از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود: من قبل از شما نزد حوض کوثر می روم . هر کس در آن وارد شود از آن خواهد نوشید و هرکس از آن بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد. اما اقوامی بر من وارد خواهند شد که من آنها را می شناسم و آنها نیز مرا می شناسند. سپس میان من و آنها حائل ایجاد می شود. نعمان بن عیاش که از شنوندگان حدیث بود می گوید: من از ابوسعید خدری شنیدم که گفت: پیامبر (ص) می فرماید: این افراد از اصحاب من هستند. به پیامبر (ص) گفته می شود: تو نمی دانی که اینان پس از تو چه احکامی را تغییر دادند. من خواهم گفت از رحمت خدا دور باشد کسی که دین مرا پس از من تغییر دهد.[[6]](#footnote-6)

3. ابوهریزه از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمود: روز قیامت گروهی از اصحاب من بر من وارد خواهند شد. آنان را از حوض دور می سازند. من می گویم پروردگارا، آنها از اصحاب من هستند، خداوند می فرماید: تو به آنچه آنان پس از تو پدید آوردند آگاه نیستی. آنان راه ارتداد را برگرفته و به عقب برگشتند. [[7]](#footnote-7)

4. ابوهریزه در روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده که فرمود: هنگامی که من در قیامت ایستاده ام گروهی را می بینم که آنها را می شناسم. دراین هنگام فردی از میان من و آنها خارج می شود و آنان را به دنبال خود می خواند. من می گویم آنها را به کجا می بری؟ می گوید: به سوی دوزخ. می گویم: جرم آنها چیست؟ می گوید: آنان پس از تو راه ارتداد و قهقرا را برگزیدند. از آنان جز شمار کمی نجات نخواهند یافت.[[8]](#footnote-8)

5. علاء بن مصیب از پدرش نقل کرده که می گوید براء بن عاذب را ملاقات کردم و به او گفتم: خوشا به حال تو که به مصاحبت با پیامبر (ص) و بیعت او در زیر درخت (بیعت رضوان) توفیق یافتی. وی گفت: ای برادر زاده تو نمی دانی که پس پیامبر (ص) چه چیزهایی را پدید آورده ایم.[[9]](#footnote-9) براء از صحابه برجسته پیامبر (ص) است. سخن او گواه روشنی است بر احادیثی که از پیامبر (ص) نقل شد که برخی از صحابه بعد از آن حضرت راه ارتداد را برگزیده و بدعت ها در دین ایجاد کردند. سخن وی رد می کند سخن کسانی که صحابه و کسانی که بیعت در رضوان نمودند را مبرا از هر عیبی می دانند. بله بیعت آنها در رضوان کار خوبی بوده است اما این دلیل بر آن نیست که آنان تا آخر راه درست را در پیش گرفته و کار ناشایستی انجام نداده اند. لذا مدح های نسبت به صحابه ناظر به قضیه خارجی و واقعه خاص است. بیعت رضوان و تحت شجره تا ابد پسندیده و مورد رضایت است اما این نمی گوید که کار این بیعت کنندگان تا آخر پسندیده بوده است.

6. ابوسعید خدری و ابوهریره و ابوایوب انصاری از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده که فرمود: خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد و هیچ خلیفه ای را به خلافت برنگزید، مگر اینکه نزدیکان و اطرافیان او را دو دسته قرار داد: یک دسته او را به معروف توصیه می کنند و دسته ای او را به شر و بدی فرا می خوانند. معصوم کسی است که خداوند او را حفظ کند.[[10]](#footnote-10)

7. مالک در کتاب الموطا آمده است. «روا مالک ان رسول الله (ص) قال لشهداء احد، هولاء اشهد عليهم. فقال ابو بكر الصّدّيق: السنا يا رسول اللّه اخوانهم؟ اسلمنا كما اسلموا و جاهدنا كما جاهدوا، فقال رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله و سلّم: بلى و لكن لا ادرى ما تحدثون بعدى. فبكى ابو بكر ثمّ بكى ثمّ قال: أئنّا لكائنون بعدك؟»[[11]](#footnote-11): مالك با سند خود از عمر بن عبيد اللّه روايت مى‏كند كه به او چنين رسيده است كه: رسول خدا صلى اللّه عليه و آله و سلّم درباره شهداء احد فرمودند: اينان جماعتى هستند كه من گواهى مى‏دهم از اهل بهشت‏اند. ابوبكر مى‏گويد: اى رسول خدا آيا ما برادر آنها نيستيم؟ ما اسلام آورديم همانطور كه آنها اسلام آوردند، و جهاد كرديم همانطور كه آنها جهاد كردند (يعنى حتما ما هم اهل بهشتيم كما آنكه آنها اهل بهشت‏اند). حضرت رسول اكرم فرمود: بلى شما اسلام آورده و جهاد كرديد لكن من نمى‏دانم كه بعد از من چه حوادثى پيش خواهيد آورد. ابوبكر از شنيدن اين كلام گريه كرد و باز هم گريه كرد و سپس گفت: اى رسول خدا آيا ما بعد از تو خواهيم بود.

با توجه با این احادیث نقل شده در معتبر شده منبع حدیثی اهل سنت، دیگر جایی برای استبعاد کاری که برخی صحابه بعد از رحلت پیامبر (ص) انجام دادند نیست.

انشاء الله در جلسه بعد به بررسی مساله از جهت تاریخی می پردازیم.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره احزاب، آیه 23 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره توبه، آیه 38 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره محمد، آیه 29 و 30 [↑](#footnote-ref-3)
4. صحیح بخاری، ج3، ص 203، کتاب تفسیر، سوره منافقین [↑](#footnote-ref-4)
5. صحیح بخاری، ج4، ص 221، کتاب الفتن ؛ و ص 141، ح1 و 7 [↑](#footnote-ref-5)
6. صحیح بخاری، ج3، ص 141، باب فی الحوض، ح 8 [↑](#footnote-ref-6)
7. همان، ص 142، ح 9 و 10 [↑](#footnote-ref-7)
8. همان، ص 142 [↑](#footnote-ref-8)
9. همان، ج3، باب غزوه الحدیبیه [↑](#footnote-ref-9)
10. صحیح بخاری، ج4، ص 244- 245، کتاب الاحکام [↑](#footnote-ref-10)
11. کتاب الموطا، مالک، ج1، ص 297، کتاب الجهاد، ح 37 [↑](#footnote-ref-11)